

اعتبارسنجی احادیث مربوط به تطابق العقل و النقل در نسخه خطی «سلوک الی الله تعالی» شبر با رویکردی بر شواهد و متابعات فریقین

حسن حشمتی^۱
امیر توحیدی^۲
محسن قاسمپور^۳

چکیده

تحلیل و بررسی نسبت میان عقل قطعی صحیح و نقل متواتر یکی از مسائل مهم در قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) است که توجه اندیشمندان را جلب کرده است. درک درست این رابطه برای شناسایی منابع معتبر معرفت دینی اهمیت زیادی دارد. نسخه خطی رساله «سلوک الی الله تعالی» سید عبدالله شبر یکی از منابعی است که به این موضوع پرداخته و می‌گوید: تطابق عقل با روایات و احادیث متواتر واضح و روشن است و اما درباره حجت‌های الهی، یعنی جانشینان پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ)، که تعدادشان دوازده نفر از ائمه معصومین (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) هستند، و نقل روایات و احادیث از لسان آنها می‌باشد در حد تواتر است، اختلاف نظر وجود دارد. این موضوع شناخته نشده، مگر بدلیل وجوب مقام عصمت معصومین (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ). شبر (ره) در این فصل از رساله خود احادیثی را از رسول خدا (ص) و ائمه معصومین (ع) آورده تا اینکه تطابق عقل و نقل با رویکرد بر شواهد و متابعات فریقین اثبات نماید. گرچه احادیث مربوط به تطابق عقل و نقل از سوی بیشتر محدثین شیعه و اهل سنت پذیرفته شده است، ولی در عین حال، برخی از علماء در این زمینه چالش‌هایی را مطرح کرده‌اند و آراء و نظراتی را در مورد کُلُّ ما حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ، بیان نموده‌اند. این مقاله با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی، قصد دارد تا با بررسی شواهد و متون مربوطه از هر دو طرف، اعتبار محتوای این احادیث را ارزیابی کند و به این سوال پاسخ دهد، که آیا این احادیث از اعتبار کافی برخوردارند یا خیر.

واژگان کلیدی

سید عبدالله شبر، نسخه خطی «سلوک الی الله تعالی»، تطابق عقل و نقل، عصمت، شواهد و متابعات فریقین.

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: h.heshmati35@gmail.com
۲. دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: amirtohid110@yahoo.com
۳. استاد تمام گروه علوم و قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه علامه طباطبائی تهران، ایران.
Email: ghasem-Poor@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۱۱ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۸/۸

طرح مسأله

سید عبدالله شبر بن سید محمد رضا الحسینی الکاظمینی (م رجب ۱۳۴۲) محدث و مفسر بزرگ و فقیه شیعه و از مفاخر جهان اسلام است. وی رساله‌ای تحت عنوان «سلوک الی الله تعالی» دارد که در دوران قاجار به نگارش درآورده و تاکنون به چاپ نرسیده است، این نسخه مشتمل بر یک مقدمه و چهل فصل است. فصول این رساله در بردارنده مباحث اعتقادی، اخلاقی و احکام عملی است که با استناد به آیات قرآن و روایات اهل بیت (ع) ارائه شده است. این ویژگی از مهمترین شاخصه‌های رساله مذکور است، که آن را از دیگر کتبی که در زمینه سیر و سلوک به نگارش درآمده، متمایز می‌کند. چرا که مؤلف سعی داشته «سلوک الی الله» را مبتنی بر قرآن و عترت تبیین نماید و هیچگونه مزجی با مباحث عرفانی و فلسفی که زائیده فکر بشر است نداشته باشد. سید عبدالله شبر از آیات قرآن در موارد متعددی جهت رسیدن به فهم صحیح از حدیث استفاده می‌کند. وی در بسیاری از موارد، آیات قرآن را شاخص فهم حدیث شناسانده است. بنابراین، برداشت صحیح از نقل مواتر (حدیث) را با توجه به مفاهیم آیات قرآنی بیان کرده و تصدیق می‌کند؛ قد تطابق العقل القطعی الصحیح، و النقل المتواتر الصریح (سلوک الی الله، فصل، ص ۱۲). بی تردید در مسیر شناخت و معرفت، اعتبار و اصالت دین و معارف دینی و ادله شرعی بر پایه عقل استوار است. از این رو، معقول نیست که دین، عقل و احکام قطعی آن را نادیده بگیرد. آیات و روایات متواتر نشان می‌دهد که عقل و دین با هم تطابق و توافق دارند. شریعت الهی از این که احکام و آموزه‌های آن با معارف عقلی ضروری سازگار نباشد، منزّه است. علامه طباطبایی در دفاع از تطابق عقل و نقل می‌نویسد: «اولاً، ظواهر امر دینی در حجیت خود به برهان عقلی وابسته‌اند و عقل در پذیرش مقدمات برهانی فرقی بین آنها قائل نمی‌شود. وقتی بر چیزی برهانی ارائه شود، عقل آن را می‌پذیرد. ثانیاً، ظواهر دینی بر اساس ظهور لفظ هستند و از آنجا که ظواهر لفظ دلیلی ظنی به شمار می‌آیند، نمی‌توانند با براهین عقلی که قطعی‌اند معارضه کنند. تمسک به براهین عقلی در اصول دین و سپس کنار گذاشتن عمل در حوزه معارف که اخبار آحاد به آن وارد شده‌اند، مستلزم تناقض است،

زیرا ظواهر شرعیه که به براهین عقلی اعتبار یافته‌اند، نمی‌توانند مقدمه‌هایی را که به برکت آنها سندیت یافته‌اند، ابطال کنند» وی در جایی دیگر می‌گوید: «خدای متعال در هیچ جا از کتاب مجیدش حتی در یک آیه، بندگان خود را به پرستش کورکورانه یا ایمان کورکورانه به یکی از معارف الهی یا پیروی کورکورانه از طریقه‌ای خاص وادار نکرده است. حتی شریعت‌ها و احکام را که توضیح داده و بندگان را به انجام آن مأمور کرده، با این که عقل آنها قادر به تشخیص ملاک‌های آن نیست، به داشتن آثار تعلیل کرده است.» (طباطبائی، محمد حسین، المیزان، ج ۵، ص ۴۴۲).

۱- معنای لغوی عقل (ریشه‌یابی و کلمات مرتبط)

خلیل بن احمد فراهیدی در کتاب "العین" عقل به قلعه و دژ گفته می‌شود. عقل در عربی به وسیله‌ای اطلاق می‌شود که برای بستن پای شتر و یا هر چهارپای دیگری استفاده می‌شود تا از حرکت آن جلوگیری کند. این پابند به نام «عُقْل» شناخته می‌شود و ریشه کلمه عقل از همین واژه است. دلیل این نام‌گذاری آن است که عقل، در مفهوم عرفی به معنای مهار کردن انسان در برابر هوی و هوس و خواسته‌های نادرست است. در لغت، به معنای حبس و امساک نیز آمده است و از این‌رو عاقل کسی است که خود را از دنبال کردن هوس‌های نفسانی باز می‌دارد. عقل به معنای فهم و برتری انسان نسبت به حیوان نیز بکار رفته که ضد حماقت است. برخی معتقدند که با توجه به معنای اصلی عقل که بستن و امساک است، به ادراک نیز عقل اطلاق می‌شود و به طور کلی مدرکات انسان و قوه‌ای که به وسیله آن میان خیر و شر و حق و باطل تمییز می‌دهد، عقل نامیده می‌شود و در مقابل آن جنون، سفاهت، حماقت و جهل قرار دارند (پهلوان منصور، ۱۳۸۷، جایگاه عقل و دین در قرآن و حدیث، عقل و دین، قم، شماره زمستان، ص. ۷۵-۸۸). در قرآن کریم، واژه «عقل» به طور مستقیم به کار نرفته است، اما برخی از مشتقات آن مانند «یعقل»، «عقلوا»، «یعقلون» و «تعقلون» ذکر شده‌اند. همچنین، واژگان دیگری که به نوعی بیانگر عقل یا مرتبه‌ای از آن هستند، مانند «قلب»، «فؤاد»، «افئده»، «الباب»، «النهی» و «حجر» در قرآن آمده‌اند که هر یک به دلیل خاصی به عقل اطلاق شده است (ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم رویفی افریقی، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۴۵۸ و طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر

القرآن، ج ۲، ص ۴۷). عقل به گفته لسان العرب و مفردات راغب در اصل از عقال به معنی طنابی است که بر پای شتر می‌بندند تا حرکت نکند و از آنجا که عقل و نیروی خرد، انسان را از کارهای ناهنجار بازمی‌دارد. تقریباً همه ی لغت‌شناسان در اصل، ریشه و معانی مشتقات این واژه اتفاق نظر دارند. صاحب مقایس می‌گوید: عقل ریشه ی واحدی دارد که بر حبس دلالت می‌کند (ابن فارس، ص ۶۹). راغب در مفردات هم نظری شبیه به وی دارد و می‌نویسد: اصل العَقل: الإمساك و الاستمساك. ریشه ی عقل به معنی خودداری و طلب آن است (ص ۵۷۸). علامه طباطبایی نیز در تفسیر آیه ی ۲۴۲ سوره ی بقره، معنای اصلی عقل را عقد و امساک، معادل گره زدن و خودداری می‌داند (ج ۲، ص ۲۴۷). در کتاب وزین التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، آمده است: اصل و ریشه در ماده ی این لغت، یکی بوده و آن تشخیص صلاح و فساد در جریان زندگی مادی یا معنوی و سپس ضبط و حبسِ نفس بر طبق آن است (مصطفوی، ج ۸، ص ۱۹۶). ایشان معنی «امساک» را معنای مجازی و از لوازم آن دانسته و علاوه بر امساک، قائل است که تدبیر (دوراندیشی) و نیک‌اندیشی و ادراک و انزجار و شناخت مایحتاج در زندگی و تحصن و ورود در برنامه ی عدالت و حقانیت و نیز حفظ خود از أهواء و آمیال نفسانی، همه از لوازم معنای اصلی برای عقل می‌باشند و معنای اصلی، همان تشخیص صلاح و فساد در زندگی و رفتار بر اساس آن است. به نظر ایشان تشخیص خیر و صلاح مادی و معنوی است که انسان را از خلاف و انحراف نگه می‌دارد و عقل قوی‌ترین وسیله در این مسیر است. به نظر می‌آید تحقیق التحقیق، قابل نقد باشد، چون با توجه به مطالب پیش‌گفته و مؤیداتی که در پی می‌آید، معنی اصلی و ریشه ای واژه ی «عقل» در لغت به معنای «امساک و رشد و حبس» و در ارتباط با انسان به معنای «خود نگهداری و حبسِ نفس» است. با مراجعه به مشتقات و سایر موارد استعمال این واژه معلوم می‌شود که در همه ی آنها معنای مشترک و ریشه ای «نگهداری» وجود دارد. حال، گاهی این نگهداری با بستن است (زانو بند شتر) و گاهی با خوردنِ دارو (داروی شکم بند) گاهی با پرداخت دیه (دیه) و گاهی با گرفتن پا (نگه داشتن نیزه با پا) و گاه با چیزهای دیگر. اینکه تشخیص خیر و صلاح از شر و فساد انسان را از انحراف بازمی‌دارد، دلیلی بر وضع ماده (عقل) بر این تشخیص نیست. همانطور که

در پی می آید، ماده دیگری می تواند این معنا را برساند. پس معنای اصلی ماده (ع ق ل) «نگهداری، جلوگیری، حفظ و بستن» است و سایر معانی از لوازم و کاربردهای مجازی این واژه خواهد بود. مانند استعمال این ماده در معانی دیه، خویشان پدری، داروی شکم بند، زن کریمه، پشت و پناه قوم، قوه ی تشخیص دهنده و هر چیز دیگری که از این ریشه مشتق شده باشد. به قول نویسنده الاشتقاق: هر چه را که تو نگهش داری و حبشش کنی پس عقلش کرده ای و به همین خاطر به اندیشه و فکر، عقل گفته اند چرا که تو را از جهل بازداشته و منع می کند: و کل شیء حبسته فقد عقلته، و لذلك سمی العقل لأنه يمنع عن الجهل (مصطفوی، ج ۸، ص ۱۹۵. به نقل از الاشتقاق، ص ۲۳۸). ضمن اینکه در بیان برخی از اهل لغت، عقل به زاجر و بازدارنده تعبیر شده است، علمی که انسان را از قبایح بازمی دارد، پس هر کس که بازدارنده اش قوی تر باشد، عاقل تر است (عسکری، ص ۳۶۶). بعضی دیگر از کتب لغت مانند صحاح، عقل را به معنی "منع" و بعضی مانند قاموس مانند "علم به صفات اشیاء از حسن و قبح و کمال و نصاب" و در مجمع البحرین، در تفسیر عاقل می گوید "او کسی است که می تواند نفس خویش را کنترل کند و از هوا و هوس باز دارد." بنظر می رسد که ریشه اصلی همان "منع و بازداشتن" است و لذا هنگامی که زبان کسی بند می آید عرب می گوید "اعتقل لسانه" و به دیه نیز عقل می گویند، چرا که جلو خونریزی را می گیرد. و "عقیله" به زنی گفته می شود که دارای عفت، حجات و پاکدامنی است.

۱-۱- عقل در روایات

در روایات اسلامی، عقل به عنوان یکی از مهم ترین ویژگی های انسانی توصیف شده است. پیامبر اسلام (ص) تأکید کرده اند که عقل وسیله ای برای کسب بهشت و رضایت خداوند است (من لا یحضره الفقیه ج ۴، ص ۲۶۹) و آن را به مثابه چراغی در دل تشبیه کرده اند (علل الشرایع، ص ۹۸). عقل، به عنوان منبع شناخت خیر و پایه گذار دین، اهمیت زیادی دارد. پیامبر (ص) همچنین چهار وظیفه برای هر عاقل از امت خود بیان کرده اند: شنیدن دانش، حفظ آن، نشر و عمل به آن. در نهایت، امام علی (ع) اشاره کرده اند که انسان ها از هر دو ویژگی عقل و شهوت برخوردارند و برتری در این است که عقل بر

شهوت غلبه کند، در غیر این صورت فرد از حیوانات بدتر خواهد بود [علل الشرایع، ج ۱، ص ۴]. در روایات، به اهمیت عقل، تقوی، و تعقل در زندگی پرداخته شده است. امام علی علیه السلام به این نکته اشاره می‌کند که گروهی بهشتیان، با وجود عدم پرهیز از عبادات ظاهری، به دلیل تعقل در مواعظ الهی به بهشت نائل شدند. امام کاظم علیه السلام توصیه می‌کند که در دریای عمیق دنیا، کشتی انسان باید به تقوی، ایمان، توکل بر خدا، عقل، علم و صبر مجهز باشد. امام حسین علیه السلام بیان می‌کند که عقل تنها با پیروی از حق تکمیل می‌شود [بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۸۲، ح ۷۸]. عقل اساس انسانیت است و از آن ویژگی‌های همچون زیرکی، فهم، حفظ و دانش ناشی می‌شود. با تکیه بر عقل، انسان به کمال می‌رسد و عقل به عنوان راهنما و کلید امور زندگی، کمک می‌کند تا انسان درک درستی از خود، محیط و مسیر پیش رو داشته باشد. عقل نورانی موجب می‌شود که فرد دانا، حافظ و فهم باشد و بدین ترتیب بتواند خیرخواه و دغلكار را تشخیص دهد. به این ترتیب، او می‌تواند در توحید و اطاعت از خداوند اخلاص ورزد و به درستی از گذشته بهره‌برداری کند و برای آینده آماده باشد. در نهایت، عقل نخستین خلقت از عالم انوار و ارواح است و با تأیید و نور آن، انسان به درک و شناخت کامل می‌رسد [کافی، ج ۱، ص ۲۵، ح ۲۳]. تطابق عقل و نقل در آموزه‌های دینی به این صورت است که عقل صحیح و قطعی با نقل متواتر و صریح هم‌خوانی دارد. به عبارت دیگر، دلایل قطعی عقلی و متون متواتر دینی به وضوح نشان می‌دهند که آموزه‌های دینی صحیح و معتبرند. در همین راستا ویژگی‌های ائمه دوازده‌گانه (از جمله عصمت و انتصاب از طرف خداوند بر اساس عقل و نقل قابل اثبات است، و همچنین هیچ فردی غیر امامان معصوم به عنوان جانشین پیامبر به طور قطع معصوم نیستند و شناخته نمی‌شوند، و تمامی ائمه دوازده‌گانه، به عنوان برترین افراد زمان خود، به طور اجماعی پذیرفته شده‌اند و به این ترتیبی توافق میان عقل و نقل در خصوص ویژگی‌های ائمه دوازده‌گانه به وضوح وجود دارد و تناقضی میان آن‌ها مشاهده نمی‌شود.

۲-۱- جایگاه عقل در اجتهادات فقهی

در فقه اسلام، عقل در کنار کتاب، و سنت و اجماع به عنوان یکی از منابع و مدارک فقهی به رسمیت شناخته شده است. همین امر نشان دهنده نقش برجسته عقل در این عرصه است. بنابراین با استناد بر دلایل عقلی و نقلی و نیز آیات متعددی از کتاب خدا درباره تطابق عقل و نقل و احادیث معتبر در منابع شیعه و اهل سنت که در نسخه خطی در «سلوک الی الله تعالی»، شبر با استفاده از مصادر فریقین به آن پرداخته شده است (شبر، سلوک الی الله تعالی، کتابخانه آستان قدس رضوی، ص ۱۲۱، مشهد، ایران).

۳-۱- نقل

منظور از نقل همان قرآن (وحی) و روایات (سنت) است که برای تسهیل در تحقیق، قرآن را منبع اصلی در نظر گرفته و روایات را به عنوان تبیین کننده وحی محسوب می‌نماییم؛ برای توصیف و تحلیل این منبع، لازمست مبانی و اصولی را به شکل زیر تبیین نماییم.

قرآن، کلام خدا: قرآن معجزه جاوید پیامبر (ص) است و آن کلام خداست. خدای تعالی در سوره سجده آیه دوم می‌فرماید: "تنزیل الكتاب لاریب فیه من رب العالمین"، کتابی است فروفرستاده از سوی پروردگار جهان که شک در آن نیست، اصل قرآن با قلم نورانی الهی ابتدا در لوح محفوظ و در مرحله بعد در صحف مکرمه نوشته شده و پیوسته فرو می‌آید تا وجود لفظی و کتبی را خواهد داشت (ملاصدرا المتألّهین، تفسیر قرآن، ج ۶، ۱۰).

مصونیت قرآن: قرآن حق بوده و از هر تحریف و کم یا زیادی محفوظ است. خدای تعالی در سوره حجر آیه ۹ می‌فرماید "انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون"، همانا ما قرآن را نازل کرده ایم و ما خود نگهبان آنیم.

کتاب انسان سازی: هر چه که برای هدایت، سعادت و کمال بشر لازم است در قرآن آمده. هدف نهایی از فرو فرستادن قرآن بر اشرف مخلوقات، هدایت مردم و راهنمایی آنها و پرورش آنهاست. بوسیله سوق آنها به سوی همسایگی خدای تعالی به بهترین وجه (صدر المتألّهین، تفسیر قرآن ج ۱، ۱۳۶۶، ۱۶۳). هیچ تر و خشکی نیست، مگر این که

در آن (قرآن) یافت می‌شود و هیچ کوچک و بزرگی را نگذاشته، مگر آن که آن‌ها را آورده (همان، ۱۶۴) قرآن شامل اصول و چارچوب حکمت و معرفت است که گذشتگان و آیندگان از درکش عاجزند (همان، ۱۶۳) امور دقیق (لطیف) و اصل شریعت و طریقت در قرآن هست، بطوری که در نوشته‌های دیگر نیست. (همان، ۱۶۳) صلاح هر فردی و هر گونه روزی معنوی و صوری (ظاهری) در قرآن هست متعاً لکم و لانعامکم (نازعات/ ۳۳). برای برخوردار شدن شما و چارپایانتان.

- و نزلنا علیک الكتاب تبیانا لکل شیء... (نحل / ۸۹) و کتاب آسمانی را بر تو نازل کردیم که روشنگر همه چیز است.

قرآن همچون سفره آسمانیست که برای هر گروه از مردم، روزی و حیات ویژه دارد؛ حکمت و برهان برای بعضی، جدل و شهرت برای بعضی دانش‌های ویژه برای برخی دیگر (اسفار، ج ۹، ۱۴۱۹، ۳۰۱ و ۳۰۲).

عقل در قرآن: فَشَرُّ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ؛ [سوره زمر، آیه ۱۷-۱۸]. بشارت ده به آن بندگانم که سخنان را می‌شنوند و از بهترین آنها پیروی می‌کنند. آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده و آنان عاقلان‌اند. از آنجا که مفهوم بازدارندگی در همه معانی عقل نهفته است، می‌توان گفت معنای اصلی عمل همان منع است. (پیام قرآن، مکارم شیرازی، درالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۸۶ ش، چاپ نهم، ج ۱، ص ۱۴۱).

تشکیک در مفاهیم قرآن: قرآن به سر (پنهان) و علنی (آشکار) تقسیم می‌گردد که هر کدام ظهر (برون) و بطن (درون) دارند. آن بطن نیز بطنی دارد تا آنجا که خدا می‌داند و تاویلش را جز خدا و راسخان در علم (معصومین علیهم السلام) نمی‌داند. در حدیث آمده: "إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهراً وَبَطْناً، وَبَطْنَهُ بَطْناً إِلَى سَبْعَةِ أَبْطُنٍ" همانا قرآن بیرون و درون دارد و بطنش نیز بطنی دارد. تا ۷ بطن" (۱۴۱۹، ۳۶). حضرت امیر المؤمنین (ع) در نهج البلاغه (خطبه ۱۸، فراز ۶) می‌فرماید: "و ان القرآن ظاهره أنیق و باطنه عمیق لا تفنی عجائبه و لا تنقضی غرائبه و لا تكشف الظلمات الا به" ظاهر قرآن کریم شگفت آور و نیکو و باطن آن ژرف و بی پایان است. شگفتی‌ها و غرائب (اسرار) آن پایانی ندارد و تاریکی‌ها رفع

نمی‌گردد مگر با آن". در مورد ظاهر و تاویل قرآن، دست کم دو نظریه داریم:

- عده ای معتقدند که مفهوم و مقصد آیات و روایات همان ظاهرشان است. بدون تاویل (حمل کلام بر غیر ما وضع له) و تعطیل (توقف در قبول آن معنی). از دید صدرا، منشأ این اعتقاد، تحجر و جمود فکریشان بر جسم و جسمانیات است و به بیش از آن‌ها تجاوز نمی‌کند (اسفار، ج ۹، ۱۴۱۹، ۲۹۹).

- در دیدگاه اکثر اهل شرع، ظواهر قرآن و حدیث حقیقت داشته و صادقند، هر چند که مفهوم‌ها و تاویل‌هایی نیز دارند. (همان)

آن چنان که انسان، ظاهر و باطن دارد، قرآن نیز این گونه است ظاهر و باطن دارد (صدرالمآلهین، تفسیر قرآن، ج ۲، ۱۳۶۶، ۱۱۳).

راه شناخت و ادراک دانش های قرآنی: گفته شد که مفاهیم قرآن مراتب دارد. خدای تعالی بر اساس درجات و مقامات قرآن، صفات متعددی را برایش ذکر فرموده. اولین و بالاترین درجه اش کرامت نزد خداست و پایین ترینش در این عالم است. پس شامل مراحل لوح محفوظ، لوح محو و اثبات می‌شود (اسفار، ج ۷، ۱۴۱۹، ۳۸ و ۳۹). فهم و شناخت آن‌ها برای هر کس ممکن نیست. مردم در فهم متشابهات قرآن و حدیث سه دسته‌اند.

۱. حنابله و مجسمه از اهل لغت و حدیث: ظاهر آیات و احادیث را گرفته و همان را مفهوم و مقصود می‌دانند.

۲. اهل نظر و ظاهر یون از حکمای اسلامی: آن‌ها، آیات و احادیث را بر طبق قوانین عقلی نظری و مقدمات بحثی خویش تاویل می‌نمایند.

۳. راسخون در علم: آیات را بر مفاهیم اولیه اش حمل می‌نمایند، بدون این که مفسده نقص یا نقض پیش آید. صدرا در مقام داوری، گروه اول و دوم را اهل انحراف از اعتدال دانسته و کامل راسخ را ذوعینین می‌داند. (اسفار، ج ۲، ۱۴۱۹، ۳۴۳ و ۳۴۴)

انسان‌هایی در اثر مجاهده و تبعیت از دین، موهبت الهی، حکمت و علم لدنی را دریافت می‌نمایند. این‌ها به قدر فهم و علمشان از قرآن بهره می‌برند و مفاهیم والایش را درک می‌نمایند. و ما یعلم تأویله الا الله و الراسخون فی العلم "حال آن که

تاویل آن را جز خداوند و راسخان در علم - که می‌گویند به آن ایمان آورده ایم، همه از پیشگاه خداوند است - نمی‌دانند و جز خردمندان کسی پند نمی‌گیرد."

۲- سید شبر

سید شبر در بحث تطابق عقل قطعی صحیح با نقل متواتر می‌نویسد: یقیناً حجت‌های خدا بر خلقش و جانشینان پیامبر همان امامان دوازده گانه است. و اشاره فرموده به بحث و عقلانیت و عصمت اهل بیت (معصومین علیهم والسلام) دو نکته اساسی می‌باشد و ما در این خصوص به آیه مباحله و احادیث مربوطه و به حدیث ثقلین استناد می‌کنیم.

۲-۱. اعتبارسنجی احادیث آیه مباحله مبتنی بر شواهد و متابعات فریقین

بحقیقت باید در خصوص نصوص احادیث آیه مباحله، اذعان نمود و تصدیق کرد و همه روایات و احادیث آن صحیح و در حد تواتر از سوی علمای اهل سنت و بصورت متواتر از ناحیه علما و روایان شیعه بیان گردیده است، بنابراین احادیث صحیح می‌باشند. بویژه جمهور علمای عامه در کتب صحاح سته مانند؛ (صحیح بخاری فی صحیح: ۱۰۱/۹، کتاب الاحکام، صحیح ابی داود: ۴۲۱/۲. احمد بن حنبل فی المسند: ۷/ح-۲۰۹۳۴ و ح-۲۱۱۰۶).

* بیان سید شبر در احادیث علمای اهل سنت، در مورد جانشینان بعد از پیامبر (ص) * قَدْ نَصَّ كُلُّ مَنَّهُمْ عَلَى الْآخِرِ نَصًّا مَتَوَاتِرًا كَمَا ذَكَرَ فِي مَحَلِّهِ وَ رَوَى جُمُوهُورُ الْعَامَةِ فَضْلًا عَنِ الْخَاصَّةِ نَصَّ النَّبِيِّ (ص) عَلَيْهِمُ بِالْخِلَافَةِ فِي صَحَابِهِمْ، كَصَحِيحِي الْبَخَارِيِّ وَ مُسَلِّمٍ، وَ الْجَمْعِ بَيْنَ الصَّحَابِ السَّتِّ، وَ صَحِيحِ أَبِي دَاوُدَ وَ مُسْنَدِ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ. فَرُؤُوا عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص): قَالَ: «يَكُونُ مِنْ بَعْدِي إِثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا» وَ مِنْ أَبِي عُيَيْنَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «لَا يَزَالُ أَمْرُ النَّاسِ مَاضِيًا مَا وَلِيَهُمْ إِثْنَا عَشَرَ رَجُلًا». ثُمَّ تَكَلَّمَ بِكَلِمَةٍ خَفِيَّةٍ فَسَأَلْتُ أَبِي، فَقَالَ قَالَ: «كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ». وَ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: «يَكُونُ مِنْ بَعْدِي إِثْنَيْ عَشَرَ خَلِيفَةً». وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى عَنْهُ (ص): «لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ، أَوْ يَكُونَ عَلَيْكُمْ اثْنَيْ عَشَرَ خَلِيفَةً، كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ» (فرائد المطين: ۱۵۰/۲ باب ۳۳، صحیح مسلم: ۲۰۳/۱۲، کتاب الاماره، كنز العمال: ۳۳/۱۲ ح ۳۳۸۵۵، المعجم الكبير: ۱۹۹/۲-۱۸۰۹). وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى عَنْهُ (ص) «إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَنْقُضِي حَتَّى يَمْضِيَ حَتَّى يَمْضِيَ فِيهِمْ إِثْنَيْ عَشَرَ

خَلِيفَةً كُلَّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ» (صحیح مسلم: ۲۰۱/۱۳ کتاب الامارة، ینابیع المودة: ۳/۳۸۹ باب ۷۷ ح ۱، فرائد السمطين: ۱۴۸/۲ باب ۳۳ ح ۴۴۲، مقتل الحسين خوازرمی: ۱/۱۴۵، ذخائر العقبی: ۱۳۶) وَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: سَأَلْتُ النَّبِيَّ (ص) حِينَ حَضَرْتَهُ الْوَفَاةَ، فَقُلْتُ إِذَا كَانَ مَا نَعُوذُ بِاللَّهِ فَإِلَى مَنْ؟ فَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى عَلِيٍّ (ع)، وَقَالَ: «هَذَا مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَهُ، ثُمَّ يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ أَحَدِي عَشَرَ إِمَامًا» (هكذا روى الحديث: «عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ وَ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضَ» صحیح ترمذی: ۳۷۹۸۲۲۹۷/۵، جامع الترمذی: ۲/۲۱۳، تفسیر الکبیر فخر رازی: ۱/۲۰۵، فیض القدیر: ۶/۳۵۶، المناقب لأین المغازی: ۱۱۷ و ۲۴۴، جواهر المطالب فی مناقب الامام علی لابن دمشق: ۱/۳۴۳، الملل و النحل: ۱/۱۰۳) نتیجه می گیریم که این ماجرا، علاوه بر تفاسیر شیعه، در منابع اهل سنت نیز آمده است.

۲-۲- اعتبار سنجی حدیث ثقلین

«حدیث ثقلین» از مشهورترین احادیث میان مسلمانان است و دانشمندان و بزرگان مذاهب اسلامی از شیعه و سنی در کتاب‌هایشان اعم از صحاح و سنن و مسانید و تفاسیر و سیره‌ها و تواریخ و در کتب لغت غیر این‌ها، از این حدیث یاد کرده‌اند (صحیح مسلم، ج ۴، حدیث ۲۴۰۸؛ و صحیح ترمذی، حدیث ۳۷۸۶).

* علامه سید محمد حسن میر جهانی (ره) در این مورد می گوید: «این روایت شریف از جمله روایات متواتر و فراتر از یکصد روایت در کتاب‌های معتبر شیعه و سنی با همان مضمون بیان شده است و بیشتر آنها نیز تواتر لفظی دارند.»
برای آگاهی بیشتر از این مطلب می توان به کتاب احقاق الحق علامه قاضی نورالله شوشتری، عقبات الانوار علامه میر حامد حسین هندی و الغدیر علامه شیخ عبدالحسین امینی (ره) رجوع نمود.

۲-۳- حدیث ثقلین در اهل سنت

اهل سنت این حدیث را از ده‌ها طریق و از حدود بیست نفر از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، روایت کرده‌اند.

• در کتاب «صحیح مسلم» که از معروف ترین منابع دست اول اهل سنت است، چنین

آمده: پیامبر اعظم (ص) در میان ما برخواست و خطبه خواند، در محلی برکه‌ای، آبی بود و به نام (غدیر خم) که میان مکه و مدینه قرار داشت. پس حمد خدا را بجا آورد و پند و اندرز داد؛ پس فرمود: «ای مردم! من بشری هستم و نزدیک است فرستاده پروردگارم بیاید و دعوت او را اجابت کنم و من در میان شما دو چیز گرانمایه به یادگاری می‌گذارم؛ نخست، کتاب خدا که در آن هدایت و نور است، پس کتاب خدا را بگیرید و به آن تمسک جوید ... پس فرمود: اهل بیتم را؛ و سه بار فرمود: به شما توصیه می‌کنم که خدا را درباره اهل بیتم فراموش نکنید»، (صحیح مسلم، ج ۴، حدیث ۲۴۰۸).

• در کتاب معروف سنن ترمذی نیز، در بحث مناقب اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَامُ، از قول «جابر بن عبدالله» می‌خوانیم: «رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را هنگام حج، روز عرفه دیدم که بر شتر مخصوص خود سوار بود و خطبه‌ای می‌خواند، شنیدم که می‌فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا؛ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي» (صحیح ترمذی، حدیث ۳۷۸۶).

سپس ترمذی می‌افزاید: همین معنا را ابوذر و ابوسعید خدری و زید بن ارقم و حذیفه نیز روایت کرده‌اند. روایات دیگر این حدیث، در لفظ و محتوا نزدیک و شبیه به هم می‌باشند. (صحیح ترمذی، ج ۵، ص ۶۶۲).

۲-۴- حدیث ثقلین از منظر شیعه

طبق این حدیث، قرآن و اهل بیت به عنوان دو چیز گرانبها همواره در کنار یکدیگرند تا در کنار حوض کوثر به پیامبر اکرم (ص) ملحق شوند. شیعیان این حدیث را یکی از دلایل امامت و خلافت بلافضل حضرت امیرالمومنین عَلَیْهِمُ السَّلَامُ می‌دانند و آن را به هشتاد و دو طریق، با عبارات گوناگون از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت کرده‌اند. موارد زیر به عنوان خطوط مهمی که این حدیث در برابر مسلمانان ترسیم می‌کند مورد اشاره عالمان شیعه قرار گرفته است: (اعیان‌الشیعه، ج ۱، ص ۳۷). قرآن و اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَامُ؛ همیشه همراه یکدیگر و جدایی ناپذیرند و آنها که طالب حقایق قرآن‌اند، باید به اهل بیت رجوع کنند. همان گونه که پیروی از قرآن بدون هیچ گونه قید و شرط بر همه مسلمانان واجب است، پیروی از اهل بیت نیز بدون قید و شرط واجب می‌باشد. اهل

بیت عَلَیْهِمُ السَّلَامُ معصوم‌اند؛ زیرا جدایی ناپذیر بودن آن‌ها از قرآن از یک سو و لزوم پیروی بدون قید و شرط از آنان از سوی دیگر، دلیل روشنی بر معصوم بودن آنها از خطا و اشتباه و گناه است. پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که در این حدیث شریف فرمود: «این دو همیشه باهم هستند تا در کنار حوض کوثر نزد من آیند، این به خوبی نشان می‌دهد که در تمام طول تاریخ اسلام، فردی از اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَامُ به عنوان پیشوای معصوم وجود دارد و همان گونه که قرآن همیشه چراغ هدایت است، آن‌ها نیز همیشه چراغ هدایت‌اند. از این حدیث شریف استفاده می‌شود که جدا شدن یا پیشی گرفتن از اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَامُ، پایه گمراهی است و هیچ انتخابی را نباید بر انتخاب آنها مقدم داشت. اختصاص این مقام به اهل بیت، حکایت از اعلیّت و افضلیّت ایشان و شایستگی انحصاری آنان برای احراز مقام خلافت پیامبر اکرم (ص) دارد، در عین حال وجوب محبت ایشان، حداقل مفاد این حدیث است. (رک: پیام قرآن، ج ۹، ص ۷۵) و فحوای کلام سید شبر در خصوص عقل قطعی و صحیح و نقل متواتر از ویژگی‌های عقلانیت و عصمت معصومین علیهم‌السلام است، که حجت‌های خدا بر خلقش می‌باشند، اطلاق می‌گردد. و جانشینان پیامبرش همان امامان دوازده گانه هستند.

۳- مهمترین دلیل در حجیت ظواهر قرآن

اصول دین به مجموعه‌ای از مباحث بنیادی و اساسی اشاره دارد که در زمینه‌های اعتقادی و دینی مطرح می‌شود. این اصول به طور کلی شامل اعتقاد به وجود خداوند، صفات او، نبوت، عدل، و معاد هستند. در این زمینه، دو دسته از علوم دینی وجود دارد: علوم ضروری و علوم نظری. علم ضروری، همانطور که از نامش پیداست، به مسائلی اشاره دارد که به طور بدیهی و بدون نیاز به استدلال قابل درک هستند. این گونه علوم به وضوح توسط عقل و احساس قابل درک و پذیرش هستند و در آن اختلافی وجود ندارد. به طور مثال، اصولی مانند «دو نصف، چهار می‌شود» و «آتش گرم است» از جمله مسائل ضروری هستند که همه انسان‌ها به راحتی آن را می‌پذیرند. در مقابل، علم نظری به مسائلی می‌پردازد که نیاز به استدلال و تحلیل دارند. این نوع علم ممکن است با اختلافات زیادی مواجه شود و به دلیل پیچیدگی‌های آن، نیازمند تفکر و استدلال است. اصول دین در این

دسته قرار می‌گیرد، زیرا مسائل مربوط به اثبات وجود خداوند، صفات او، و موضوعاتی مانند نبوت و معاد، نیاز به بررسی دقیق و استدلال منطقی دارند. در این زمینه، عقل و نقل باید به طور مشترک به کار گرفته شوند تا به درک عمیق‌تری از این اصول دست یابیم. در نتیجه، اصول دین به عنوان پایه‌های اعتقادی و بنیادی، در دسته علم نظری قرار می‌گیرد و فهم و پذیرش آن‌ها نیازمند بررسی و استدلال دقیق است. این بررسی‌ها بر اساس عقل و آموزه‌های دینی صورت می‌گیرد و به وسیله آن‌ها، افراد می‌توانند به درک صحیح و جامع‌تری از مباحث اساسی دین دست یابند (بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۰۴).

۳-۱- جایگاه و اعتبار ظن و گمان در برابر علم و احکام دینی

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نیز در احادیث خود «مَنْ شَكَّ أَوْ ظَنَّ فَأَقَامَ عَلَيَّ أَحَدِهِمَا أَحْبَبَ اللَّهُ عَمَلَهُ»، «إِنَّ حُجَّةَ اللَّهِ هِيَ الْحُجَّةُ الْوَاضِحَةُ» (الکافی: ۲/۴۰/۸). مَا عَلِمْتُمْ فَقُولُوا، وَمَا لَمْ تَعْلَمُوا فَقُولُوا: اللَّهُ أَعْلَمُ، إِنَّ الرَّجُلَ لَيَنْتَزِعُ بِالْآيَةِ مِنَ الْقُرْآنِ يَخْرُ فِيهَا أَبَعَدَ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ. (اصول کافی، جلد ۱، ص ۸۳) بر این نکته تأکید کرده‌اند که شک و ظن نباید مبنای عمل قرار گیرد و کسانی که به یکی از آنها عمل کنند، عملشان بی‌ارزش خواهد بود. همچنین قرآن به صراحت بیان می‌کند که ظن هیچ‌گونه کمکی به یافتن حقیقت نمی‌کند و باید بر اساس علم و آگاهی عمل کرد. در نهایت، قرآن کتابی تعلیمی است و برای درک کامل آن نیاز به معلم و اهل علم است. علم حقیقی قرآن نزد اهل بیت (علیهم السلام) است و کسانی که به دنبال فهم قرآن باشند باید از این مسیر استفاده کنند، زیرا استفاده از منابع غیر معتبر ممکن است به گمراهی منجر شود. بنابراین، بحث اصلی این است که در مسائل دینی، باید بر اساس علم عمل کرد و از ظن و گمان پرهیز نمود (صحیح مسلم: ۲۰۱/۱۳ کتاب الاماره، ینابیع الموده: ۳۸۹/۳ باب ۷۷ ح ۱، فرائد السمطين: ۱۴۸/۲ باب ۳۳ ح ۴۴۲، مقتل الحسين خوارزمی: ۱۴۵/۱، ذخائر العقبی: ۱۳۶).

۳-۲- سیره عقلا: عدم حجیت ظن و گمان

در قرآن و سنت، تأکید زیادی بر این است که ظن و گمان به تنهایی نمی‌توانند به عنوان معیارهای قطعی برای قضاوت یا تصمیم‌گیری استفاده شوند. آیات قرآن، به صراحت

بیان می‌کنند که بسیاری از مردم تنها از روی گمان و حدس قضاوت می‌کنند و این روش درست نیست. همچنین، در روایات اهل بیت، به ویژه از امام صادق علیه السلام، تأکید شده است که فتوای و اعتقادات باید بر پایه علم و یقین باشند و نه بر اساس گمان. امام صادق علیه السلام به این موضوع اشاره کرده که هلاکت از دو چیز ناشی می‌شود: یکی فتوا دادن بر اساس نظر شخصی و دیگری عمل بر مبنای چیزی که علم به آن نداریم. بنابراین، استفاده از ظن و گمان در مسائل دینی و فقهی به دلیل نداشتن قطعیت و عدم اطمینان، به هیچ وجه پذیرفته نمی‌شود و باید به جستجوی علم و یقین پرداخت تا از اشتباهات و انحرافات احتمالی جلوگیری کرد.

* ظن و گمان علم نیست * ظن و گمان به معنای احتمالاتی هستند که در آنها هنوز اطمینان کامل وجود ندارد و ممکن است تردیدهایی باقی بماند. وقتی کسی به موضوعی با ظن و گمان نگاه می‌کند، در واقع در وضعیت عدم یقین قرار دارد و هنوز احتمال‌هایی برای پذیرش یا رد آن وجود دارد. این در حالی است که یقین حالتی است که در آن فرد به وضوح و بدون تردید به حقیقت مطلب پی برده و از نظر درونی کاملاً آرام و مطمئن است. یقین به معنای برخورداری از شناخت قطعی و عدم وجود شک است. در نتیجه، تفاوت اصلی بین ظن و یقین در درجه‌ی اطمینان و وضوح شناخت فرد است (صفرار، محمد بن حسن بن فروخ صفار معروف به (صفرار قمی) متوفی (۲۹۰) ق) از اصحاب امام حسن عسکری، بصائر الدرجات، ناشر: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ (۱۴۰۴) ق، قم، ایران).

الكافی: عن زرارة. «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ مَا حَقُّ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ قَالَ أَنْ يَقُولُوا مَا يَعْلَمُونَ وَ يَقِفُوا عِنْدَ مَا لَا يَعْلَمُونَ» (كافی، ج ۱، ص ۴۳). زراره می‌گوید از امام باقر (ع) پرسیدم: حق خدا بر بندگان چیست؟ فرمود آنچه میدانند بگویند و آنچه نمی‌دانند بازاستند.

الكافی: عن الْمُفَضَّلِ، قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ شَكَّ أَوْ ظَنَّ وَ أَقَامَ عَلَى أَحَدِهِمَا أَحْبَطَ اللَّهُ عَمَلَهُ إِنَّ حُجَّةَ اللَّهِ هِيَ الْحُجَّةُ الْوَاضِحَةُ (كافی، ج ۱، ص ۴۰۰). امام صادق (ع)، فرمودند: هر کس بر اساس شک یا گمان عمل کند، خداوند عملش را باطل گرداند، زیرا حجت خدا روشن و آشکار است.

شک و ظن می‌توانند تأثیرات منفی بر روی اعمال و رفتار فرد داشته باشند. وقتی شخص در انجام عمل یا تصمیمی دچار شک و تردید می‌شود، این حالت می‌تواند باعث ایجاد عدم قطعیت و نارضایتی در قلب او شود. این شک و تردید ممکن است موجب شود که فرد نتواند با تمام وجود و با اطمینان خاطر عمل کند و به همین دلیل ممکن است تأثیرات منفی بر روی نتیجه‌ی اعمالش داشته باشد. به طور خاص، در زمینه‌های دینی و معنوی، شک و ظن می‌تواند باعث شود که فرد نتواند به طور کامل و با ایمان به انجام اعمال عبادی بپردازد. اگر فردی به درستی عمل نکند یا با نیت ناپاک و تردید اقدام کند، ممکن است اعمال او پذیرفته نشوند یا ارزش واقعی خود را از دست بدهند. به این ترتیب، شک و ظن می‌تواند سبب حبط اعمال شوند، به این معنا که ارزش و پاداش اعمال فرد تحت تأثیر منفی این حالت قرار گیرد. در نتیجه، برای پذیرش صحیح اعمال و حفظ ارزش آنها، مهم است که فرد از شک و تردید دوری کند و با یقین و اطمینان قلبی به انجام آنها بپردازد.

عبدالله بن جعفر حمیری، در قرب الاسناد آورده‌اند: لَا أَدْعُ مِنَ الْبِرِّ وَالْإِيمِ شَيْئاً إِلَّا سَأَلْتُهُ عَنْهُ، فَلَمَّا أَتَاهُ قَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ: إِلَيْكَ يَا وَابِضُهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ الْكِنْبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَدْنُهُ يَا وَابِضُهُ، فَدَنَوْتُ، أَسْأَلُ عَمَّا حِثَّ لَهُ أَوْ أُحْبِرُكَ؟ قَالَ: أُحْبِرُنِي. قَالَ: حِثَّ تَسْأَلُ عَنِ الْبِرِّ وَالْإِيمِ. قَالَ: نَعَمْ. فَضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى صَدْرِهِ، ثُمَّ قَالَ: يَا وَابِضُهُ الْبِرُّ مَا إِطْمَأَنَّ بِهِ الصَّدْرُ، وَالْإِيمُ مَا تَرَدَّدَ فِي الصَّدْرِ وَجَالَ فِي الْقَلْبِ، وَإِنْ أَفْتَاكَ النَّاسُ وَ أَفْتَوُوكَ. (میزان الحکمه ج ۱۳، ص ۳۰). پیامبر خدا(ص) فرمودند: ای وابصه از دلت فتوا بخواه، از وجدان خود فتوا بخواه، طاعت آن چیزی است که دل به آن آرام گیرد و جان به آن آرامش و قرار قرار یابد و گناه آن چیزی است که در جان آرام نگیرد و در سینه بی‌تابی کند، هر چند مردم به تو حکم کنند و فتوا ندهند (کنز العمال: ۷۳۱۲).

کنز الفوائد: « دَعِ مَا يُرِيْبُكَ إِلَى مَا لَا يُرِيْبُكَ ؛ فَإِنَّكَ لَنْ تَجِدَ فَقْدَ شَيْءٍ تَرَكَتَهُ لِلَّهِ (کنز الفوائد، ج ۱، ص ۳۵۱). آنچه را در آن شک داری رها کن و به آنچه شک نداری چنگ زن؛ زیرا فقدان چیزی را که برای خداوند رهائش کرده ای هرگز احساس نخواهی کرد.

۳-۳- عدم حجیت ظن و گمان

در مباحث اصول فقه و تفسیر قرآن، مسئله حجیت ظن و گمان یکی از موضوعات کلیدی است. اصولیون به طور کلی معتقدند که در اکثر موارد، ظن و گمان نمی‌توانند مبنای قضاوت یا استدلال در مسائل دینی قرار گیرند و تنها علم و یقین از نظر فقهی و اصولی معتبر است. با این حال، در برخی شرایط خاص، به نظر می‌رسد که استثنائاتی وجود دارد. به ویژه در مورد مسائل مربوط به اهل بیت (علیهم‌السلام)، برخی متون و روایات ممکن است به مواردی اشاره کنند که در آن‌ها ظن و گمان مورد پذیرش قرار گرفته است. این مسائل نیاز به بررسی دقیق و بر اساس مبانی علمی معتبر دارند. در آموزه‌های دینی، به ویژه در متون شیعه، تأکید شده که علم حقیقی قرآن و تفسیر صحیح آن تنها نزد ائمه معصومین (علیهم‌السلام) موجود است. بنابراین، هر گونه تفسیر یا استخراج آیات که بدون دسترسی به این علم انجام شود، ممکن است به برداشت‌های نادرست و دور شدن از حقیقت منجر شود. به طور کلی، علم و یقین در تفسیر قرآن و فهم دقیق معانی آن از اهمیت زیادی برخوردار است و استفاده از ظن و گمان در این زمینه می‌تواند به اشتباهات و سوء تفاهم‌هایی منجر شود که بر اساس مبانی دینی پذیرفته نیست. لذا تفسیر قرآن باید بر اساس اصول علمی و با توجه به راهنمایی‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) انجام شود تا از گمراهی و اشتباهات دوری گردد. در اصول فقه، نظر کلی این است که ظن و گمان به عنوان مبنای استدلال قابل پذیرش نیست و تنها علم و یقین معتبر است. با این حال، برخی اصولیون معتقدند که در شرایط خاص، مانند فهم برخی از ظواهر قرآن که به وضوح با نصوص قطعی در تعارض نیستند، ممکن است برای عمل به آن‌ها از ظن و گمان استفاده شود. این استثنائات باید با احتیاط و در چارچوب مبانی معتبر علمی مورد بررسی قرار گیرند.

۳-۴- ادله اربعه

کتاب، سنت، عقل و اجماع را در اصطلاح علمای اسلام ادله اربعه خوانند. در لغت، "دلیل" به معنای راهنما است، یعنی؛ چیزی که مسیر را مشخص می‌کند یا کمک به شناخت می‌کند. در اصطلاح فلسفی، دلیل به هر چیزی اطلاق می‌شود که با علم

به آن، علم به چیز دیگری حاصل می‌شود. مثلاً، وقتی دود مشاهده می‌شود، این علم به وجود آتش را به همراه دارد. به همین ترتیب، وقتی به یک مصنوع نگاه می‌کنیم، علم به وجود یک صانع و خالق به دست می‌آید. به عبارت دیگر، دلیل، ارتباطی است که میان دو پدیده برقرار می‌کند و با شناخت یکی از آن‌ها، می‌توان به شناخت دیگری رسید.

مراد از دلیل عقل؛ ترتیب امور معلوم است برای رسیدن به امر مجهول «به ترتیبی که در صنعت منطق مذکور است» چنانچه از مرتب نمودن این دو جمله معلوم «عالم مصنوع است و هر مصنوعی محتاج به صانع است» این جمله مجهول به دست آید (عالم محتاج به صانع است). **و مراد از کتاب؛** آیات، صریح و ظاهر قرآن است. **و مراد از سنت؛** قول و فعل و تقریر معصوم است و خیر حاکی از آنهاست (اصبهانی، احمد بن عبدالله، ۱۳۹۴ ش)، حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء، دار الکتب العربی، بیروت، لبنان).

و مراد از اجماع؛ اتفاق جماعتی است از علماء که اتفاق آنها کاشف قطعی از قول معصوم یا دلیل معتبری باشد.

اقسام دلیل: در باب معرفت اصول دین ادله‌ای که مورد استفاده قرار می‌گیرد، هشت قسم است:

۳-۵- اصل اول و طریق صحیح

در معارف اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَامُ منحصر است به کتاب یا تفسیر وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ و احادیث عترت.

۳-۶- حدیث ثقلین در نسخه‌های مختلف

إِنِّي تَارِكُمْ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، كِتَابَ اللَّهِ وَعِثْرَتِي، فَتَمَسَّكُوا بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا و ان اللطيف الخیر أَخْبَرَنِي وَعَهْدِي إِلَيَّ أَنْ هُمَا لَنْ يَفْتَرَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ (ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۳۱).
اِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي مَا أَنْ تَمَسَّكْتُمَا بِهِمَا كِتَابَ اللَّهِ وَاهْلَ بَيْتِي فَأَنْ
اللطيف الخبير قد عهد اليَّ أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ كَهَاتَيْنِ (وسايل الشيعه ج ۲۷ ص ۳۳).

تَرَاوَرُوا فَإِنَّ فِي زِيَارَتِكُمْ إِحْيَاءَ لِقُلُوبِكُمْ وَ ذِكْرًا لِأَحَادِيثِنَا وَ أَحَادِيثِنَا تُعْطَفُ بِعَضَمَتِكُمْ عَلَيَّ

بَعْضٍ فَإِنْ أَحَدْتُمْ بِهَا رَسَدْتُمْ وَ نَجَوْتُمْ وَ إِنْ تَرَكْتُمُوهَا صَلَّيْتُمْ وَ هَلَكْتُمْ فَحَدُّوا بِهَا وَ أَنَا بِنَجَاتِكُمْ رَزِيمٌ (کافی، ج ۲، ص ۱۸۶).

انی قد ترکت فیکم أفرین لَنْ تَضِلُّوا بعدی مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا؛ کتَابَ اللّٰهِ وَ عَثَرْتِیْ أَهْلَ بَيْتِیْ فَإِنَّ اللطیف الخبیر قد عهدَ إلی أَنَّهُمَا لَنْ یفترقا حَتَّى یردَا عَلَی الحَوْضِ کَهَاتِینِ - وَ جَمَعَ مُسَبِّحَتَیَّةً - وَلَا اقول کَهَاتِینِ - وَ جمع بین المُسَبِّحَةِ وَ الوسطی فَتَسْبِقُ إِحْدَاهُمَا الأخری فتمسکوا بهما لَا تزلُّوا وَ لَا تَضِلُّوا لَا تقدموهم ففضلوا (تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳).

این قولها فرمایش رسول خداست که به اهمیت تمسک به قرآن و اهل بیت تأکید می‌کنند. بر اساس این روایات، پیامبر به پیروان خود توصیه کرده که اگر به قرآن و اهل بیت (عترت) چنگ بزنند، هرگز گمراه نخواهند شد و این دو هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا روز قیامت. از منظر عقل و نقل، این توصیه‌ها به‌عنوان راهنمایی برای حفظ وحدت و هدایت اسلامی در نظر گرفته می‌شوند. بر اساس اصول عقلانی، تمسک به این دو منبع معتبر می‌تواند به حفظ مسیر درست و جلوگیری از انحراف کمک کند. همچنین، احادیث به اهمیت ارتباط و زیارت اهل بیت برای تقویت ایمان و اخلاق تأکید می‌کنند، که نشان‌دهنده این است که ارتباط با اهل بیت و آگاهی از احادیثشان می‌تواند به رشد و نجات فردی و اجتماعی کمک کند (بحرانی، هاشم البرهان فی تفسیر القرآن (۱۴۱۷) ق) شارح، سید محمد حسین طهرانی، انتشارات مؤسسه البعثه، قسم الدراسات الإسلامیة، (۱۴۰۹ ق).

امام موسی کاظم (ع) پیرامون حجت ظاهری و حجت باطنی می‌فرماید: إِنَّ لِلّٰهِ عَلَی النَّاسِ حُجَّتَینِ حُجَّةً ظَاهِرَةً وَ حُجَّةً بَاطِنَةً فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِیَاءُ وَ الْأَئِمَّةُ (ع) وَ أَمَّا البَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ یا هشام إِنْ الْعَاقِلَ الَّذِی لَا یَشْعَلُ الْحَلَالَ شُکْرَهُ، وَلَا یَغْلِبُ الْحَرَامُ صَبْرَهُ (اصول کافی، جلد ۱، ص ۱۶). خداوند را بر مردم دو حجت است: حجتی آشکار و حجتی پنهانی و درونی "حجت آشکار" رسولان، پیامبران و امامانند، و "حجت باطنی" اندیشه‌هاست. در این روایت امام عقل را حجت الهی معرفی می‌کند، بنابراین عقل حجت است، و خیلی واضح در روایات استفاده می‌شود که عقل حجت است و حجت باطنی است. عقل حجت درونی است که مثل چراغی راه را روشن می‌کند و بد و خوب را به ما می‌گوید.

امام صادق(ع): حَبَّةُ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ النَّبِيِّ وَالْحَجَّةُ فِيمَا بَيْنَ الْعِبَادِ وَ بَيْنَ اللَّهِ الْعَقْلُ تَقْرِيْبًا، همان مضمون حدیث اول، حجت بین بندگان و الله، عقل است امام(ع) به صراحت عل را حجت معرفی نموده است(کافی، جلد ۱، ص ۲۵).

تفسیر امام حسن عسگری(ع): فَاِرَادَتِ الْمَلَائِكَةِ أَنْ تَرْفَعَهَا عَنْهَا بَحْرَابَهَا فَاَوْحَى اللَّهُ تعالی إليها إِنَّمَا تَدْفَعُونَ بِجِرَابِكُمْ مَنْ لَاعَقْلَ لَهُ يَرْحُرُهُ فَأَمَّا مَنْ جَعَلْتَهُ مَمَكِنًا مَمَكِنًا مَمَكِنًا مَمَكِنًا فَمَخْتَارًا فَلِكُؤُهُ إِلَى عَقْلِهِ الَّذِي جَعَلْتُهُ حُجَّةً عَلَيْهِ فَإِنَّ أَطَاعَ إِسْتَحَقَّ ثَوَابِي وَإِنْ عَصَى وَخَالَفَ أَمْرِي إِسْحَقَّ عِقَابِي جزائی. در این روایت هم عقل به عنوان حجت معرفی شده است و اگر کسی حجیت عقل را انکار کند روایات کثیری را منکر شده است. عقل به عنوان حجت الهی در متون دینی به ویژه در روایات اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. در این روایات، عقل به عنوان حجت باطنی معرفی شده است که در کنار حجت‌های ظاهری مثل پیامبران و ائمه، مسئولیت هدایت و فهم درست را بر عهده دارد.

۴- ثواب و پاداش قدر العقل فی الکافی

همه نکته، این است که عقل حجت است، و ثواب و عقاب هم بر اساس آن است. اما تا چه مقدار عقل ما کشش دارد و مطالب را می‌فهمد، عقل به همان مقداری که سعه دارد و وسعت دارد و ظرفیت دارد و می‌تواند بفهمد حجت دارد و حجیت است عقلی که ما داریم(کافی، ج ۱، ص ۱۱).

* منحصر بودن دانش درست در اهل بیت(ع): علم صحیح از دیدگاه اهل بیت(ع)، علم حقیقی می‌باشد که سه چیز است. آیه محکم که همان اصول اعتقادی می‌باشد، فرضیه عادلانه یا همان اخلاق، سنت قائم، که همان احکام شرعی است. علم نافع و سعادت آور فقط نزد اهل بیت عصمت و طهارت(ع) می‌باشد.

امام باقر(ع) فرمودند: بصائر الدرجات: شَرَقًا أَوْ غَرْبًا فَلَا تَجِدَانِ عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا يَخْرُجُ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ (بحار الانوار: ج ۲۰، ص ۹۲، ح ۲).

بصائر الدرجات: كَلَّمَا لَمْ يَخْرُجْ مِنْ هَذَا الْبَيْتِ فَهُوَ بَاطِلٌ (وسائل شيعه، ج ۲۷، ص ۱۳۰)

اما مجتهدین آمدند عقل و اجماع را هم جزء منابع دین قرار دادند. و گفتند یکی از طرق رسیدن به احکام شرعی عقل است و یکی دیگر از طرق رسیده

به مقام شرعی اجماع است.

حال به سراغ روایات می‌رویم درباره عقل و آنچه به طور محکم استفاده می‌شود مطرح می‌کنیم.

دایره‌ای که عقل می‌تواند نورافشانی کند و مطالب را روشن کند در همان دایره حجت هست. اما توسعه این دایره چقدر است؟ محدوده عقل چه مقدار است برای ما؟

عن الحسن بن عمار عن ابی عبدالله(ع) فی حدیث طویل: بِالْعَقْلِ عَرَفَ الْعِبَادُ خَالِقَهُمْ وَ أَنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ وَ أَنَّهُ الْمُدَبِّرُ لَهُمْ وَ أَنَّهُمُ الْمُدَبَّرُونَ وَ أَنَّهُ الْبَاقِي وَ هُمُ الْفَاعِلُونَ.

با عقل شناخت خالق حاصل می‌شود و می‌فهمند که مخلوق هستند و الله تبارک و تعالی آنها را تدبیر کرده و تحت تدبیر الهی هستند و الله باقی است و آنها فنا پذیر هستند. وَ اسْتَدَلُّوا بِعُقُولِهِمْ عَلَى مَا رَأَوْا مِنْ خَلْقِهِ مِنْ سَمَائِهِ وَ أَرْضِهِ وَ شَمْسِهِ وَ قَمَرِهِ وَ لَيْلِهِ وَ نَهَارِهِ وَ بِأَنَّ لَهُ وَ لَهُمْ خَالِقًا وَ مُدَبِّرًا لَمْ يَزَلْ وَ لَا يُزُولُ(الکافی) - ط الاسلامیه، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۲۹.

با استدلال از مخلوقات درمیابیم که خالق هست که شبیه این مخلوقات نیست.

«نفی تعطیل و نفی تشبیه» بوده و هست (قدیم و ازلی)

مفضل: إِنَّ الْعَقْلَ يَعْرِفُ الْخَالِقَ مِنْ جِهَةٍ تُوجِبُ عَلَيْهِ الْإِقْرَارَ وَ لَا يَعْرِفُهُ بِمَا يُوجِبُ لَهُ الْإِحَاطَةَ بِصِفَتِهِ

عقل خالقش را می‌شناسد، از جهتی که بر آن اقرار می‌کند. اما هیچ گاه عقل احاطه به صفات الهی پیدا نمی‌کند، فقط همین مقدار می‌فهد که خالق هست که شبیه به مخلوقات نیست اما به علم و قدرت او ... احاطه ندارد.

نکته شناخت صادق علی الله و کاذب علی الله در محدوده عقل است.

منظور از صادق علی الله «انبیاء و مرسلین، ائمه طاهرین»

حجیت عقل: امروزه حجت بر مردم چیست؟ امام هادی(ع) فرمودند: عقل که به واسطه

آن امام راستین شناخته و تصدیق شود و امام دروغین شناخته و تکذیب گردد.

ما الْحُجَّةُ عَلَى الْخَلْقِ الْيَوْمَ؟ قَالَ: الْعَقْلُ، يُعْرَفُ بِهِ الصَّادِقُ عَلَى اللَّهِ فَيُصَدِّقُهُ، وَ الْكَاذِبُ عَلَى اللَّهِ فَيُكْذِّبُهُ، فَقَالَ ابْنُ السَّكَيْتِ: هَذَا وَاللَّهِ هُوَ الْجَوَابُ. (تفسیر کنز الدائق و بحر الغرائب،

قمی مشهدی محمدرضا، ج ۱، ص ۲۶۷).

چه کسی فرستاده خداست و راست می‌گوید و چه کسی فرستاده خدا نیست و دروغ می‌گوید. نکته کلیدی که در روایات است، شناخت حُسن و قُبْح است که محدوده عقل است.

التکافی: وَ عَرَفُوا بِهِ الْحُسْنَ مِنَ الْقَبِيحِ وَ أَنَّ الظُّلْمَةَ فِي الْجَهْلِ وَ أَنَّ التُّورَ فِي الْعِلْمِ فَهَذَا مَا دَلَّهُمْ عَلَيْهِ الْعَقْلُ. این اموری است که عقل به آنها دلالت می‌کند.
ارشاد القلوب: قال رسول الله الله: الْعَقْلُ نُورٌ فِي الْقَلْبِ يُفَرِّقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ (ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۹۸).

اهل بیت (ع) در بیانات خود به روش‌های متنوعی به پرورش عقل می‌پردازند و آن را به کار می‌گیرند تا فهم دینی و اخلاقی انسان را تقویت کنند. عقل با بهره‌گیری از این آموزه‌ها به زندگی تازه‌ای دست می‌یابد و توانایی استدلال و تحلیل را در خود تقویت می‌کند. از طریق عقل، انسان قادر است به درک عمیق‌تری از عالم هستی و خالق آن دست یابد. مفهوم "نفی تعطیل" به معنای عدم نقص و عدم بی‌وجودی خالق است، در حالی که "نفی تشبیه" بر عدم مشابهت خالق با مخلوقات دلالت دارد. معجزات نیز به عنوان دلایل قاطع، عقل را تقویت کرده و در فهم حُسن و قُبْح و تشخیص حق و باطل به کمک عقل می‌آیند. این رویکردها باعث می‌شود که عقل به عنوان ابزاری معتبر در درک و تحلیل مسائل دینی و فلسفی مطرح شود.

فهج البلاغه: لَيْسَ الْعَاقِلُ مَنْ يَعْرِفُ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ وَلَكِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ يَعْرِفُ خَيْرَ الشَّرِّينَ (بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۶، ح ۵۸).

عاقل کسی است که بهترین از دو شر را بد و بدتر را بتواند تشخیص بدهد که کدام بد و کدام بدتر است.

حُسن و قبح، خیر و شر، بد و بدتر، خالق غیر شبیه به مخلوق، حجت بودن عقل در محدوده‌هایی است که عقل به آن دسترسی دارد.

۵- حکم الهی و حدود عقل

سؤال: آیا عقل در محدوده احکام می‌تواند وارد شود و بفهمد؟

«روایات به صراحت می‌گویند که عقل در محدوده احکام نمی‌تواند وارد شود.».

در آموزه‌های دینی، به ویژه در اسلام، عقل و وحی هر دو به عنوان منابع مهم شناخت و هدایت مطرح می‌شوند، اما هر یک نقش و محدوده خاص خود را دارند. عقل به عنوان یک ابزار قوی برای درک و استدلال مورد احترام است و در بسیاری از زمینه‌های علمی، فلسفی، و اخلاقی به کار می‌رود. اما در زمینه‌هایی که به احکام دینی و عبادی مربوط می‌شود، مانند نماز، روزه، و حج، عقل به تنهایی نمی‌تواند جزئیات و کیفیات این اعمال را تعیین کند. این احکام از طرف خداوند از طریق وحی و رسالت به پیامبران منتقل شده‌اند و نه از طریق عقل. حجیت عقل در این زمینه‌ها محدود است. عقل می‌تواند اصول کلی دین را درک کند، مانند اصل توحید و ضرورت اطاعت از خداوند، اما برای جزئیات و نحوه اجرای احکام، به وحی و سنت پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) نیاز داریم. دلیل این امر این است که بسیاری از مسائل دینی فراتر از توان عقلانی انسان است و تنها از طریق تعلیمات و رهنمودهای دینی می‌توان به درک صحیحی از آنها رسید. دین به ما یاد می‌دهد که علاوه بر استفاده از عقل، باید از منابع وحیانی و راهنمایی‌های اهل بیت نیز بهره ببریم. پیامبران و اهل بیت به عنوان مفسران و راهنمایان دینی، نحوه اجرای احکام و جزئیات آن را به ما آموخته‌اند. این نکته بسیار مهم است که تنها اعتماد به عقل بدون پیروی از این منابع می‌تواند به اشتباهات و برداشتهای نادرست منجر شود. به طور کلی، عقل و وحی هر دو در جایگاه خود اهمیت دارند، اما در مسائل دینی و احکام، وحی و تعلیمات پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) نقش اصلی و تعیین‌کننده را دارند. عقل می‌تواند در فهم و تحلیل این آموزه‌ها کمک کند، اما نمی‌تواند جایگزین آنها شود.

۵-۱- جایگاه عقل و نقش آن در درک آموزه‌های و حیانی

کمال‌الدین و تمام النعمه: امام زین‌العابدین (ع) *إِنَّ دِينَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَا يُصَابُ بِالْعُقُولِ النَّاقِصَةِ وَلَا رَأْيَ الْبَاطِلَةِ وَالْمَقَائِيسِ الْفَاسِدَةِ وَلَا يُصَابُ إِلَّا بِالتَّسْلِيمِ. فَمَنْ سَلَّمَ لَنَا سَلِمَ وَ مَنْ اقْتَدَى بِنَا هُدِيَ وَ مَنْ كَانَ بِالْقِيَاسِ وَالرَّأْيِ هَلَكَ وَ مَنْ وَجَدَ فِي نَفْسِهِ شَيْئًا مِمَّا نَقُولُهُ أَوْ*

نقضی به حرجاً کَفَرَ بِالَّذِي أَنْزَلَ السَّبْعَ الْمَتَانِي وَالْقُرْآنُ الْعَظِيمِ وَ هُوَ لَا يَعْلَمُ (کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۳۲۴). در این روایت از امام زین‌العابدین (علیه‌السلام)، به روشنی بیان شده است که دین الهی تنها از طریق تسلیم در برابر هدایت اهل بیت (علیهم‌السلام) قابل درک و تحقق است. امام (ع) تأکید می‌کند که عقل ناقص و قیاس‌های غیر معتبر نمی‌توانند به درک صحیح دین کمک کنند، بلکه تنها راه رسیدن به فهم درست از دین، تسلیم در برابر آموزه‌های اهل بیت است. امام (ع) تصریح می‌کند که کسانی که به قیاس و رأی شخصی متکی هستند، در نهایت دچار گمراهی می‌شوند. به عبارت دیگر، استفاده از عقل شخصی و قیاس‌های نادرست در مسائل دینی نه تنها راه به جایی نمی‌برد بلکه می‌تواند فرد را از مسیر صحیح دور کند. دین و احکام الهی به وضوح از سوی اهل بیت (علیهم‌السلام) تبیین شده است و تنها با پذیرش و تسلیم در برابر این هدایت‌های الهی می‌توان به درک صحیح از دین دست یافت. امام (ع) همچنین به خطر بزرگ کسانی که در برابر آموزه‌های اهل بیت دچار شک و تردید می‌شوند، اشاره می‌کند. این افراد با ابراز نارضایتی و سختی در برابر آنچه اهل بیت (علیهم‌السلام) فرموده‌اند، در واقع به اصل دین و وحی الهی کفر می‌ورزند، حتی اگر خودشان از این امر آگاه نباشند. این روایت تأکید می‌کند که تسلیم در برابر هدایت اهل بیت، که نمایندگان و مفسران مستقیم دین الهی هستند، تنها راه صحیح درک و عمل به دین است و هر گونه تکیه بر عقل ناقص یا قیاس‌های نادرست، به انحراف و هلاکت می‌انجامد.

۲-۵- تشخیص مصالح و مفاسد

تشخیص مصلحت در بسیاری از موارد برای انسان‌ها ناقص و محدود است، زیرا عقل بشری نمی‌تواند به طور کامل تمامی ابعاد یک عمل را در نظر بگیرد. در حالی که ممکن است برخی از امور به نظر ما مطلوب و بدون ضرر بیایند، حکمت الهی و بررسی‌های دقیق‌تر ممکن است نمایانگر جوانب دیگری از آن عمل باشد که برای ما پنهان است. حتی در صورتی که انسان‌ها بتوانند تشخیص دهند که برخی اعمال به نظر مصلحت‌آمیز و پاک می‌آیند، این نمی‌تواند تضمین کند که در تمامی ابعاد و از منظر الهی چنین باشد. ممکن است مصلحت‌های گسترده‌تری وجود داشته باشد که ما قادر به درک آنها نباشیم و یا به

دلایل خاصی، خداوند تصمیم به تحریم یا تغییر حکم کرده باشد. اینکه گفته می‌شود با عقل انسانی می‌توان به یقین به حکم الهی دست یافت، برخلاف مبانی دینی است. روایات و آموزه‌های دینی تأکید دارند که حکمت‌های الهی فراتر از درک بشری است و احکام دینی بر اساس علم و عدالت الهی تنظیم شده‌اند که به درک انسان‌ها نمی‌آید. لذا تسلیم به حکم الهی و اعتماد به علم بی‌پایان خداوند از اصول اساسی ایمان است.

* مسأله حُسن و قُبْح * گاهی این چنین مطرح می‌شود؛ مسأله حُسن و قُبْح است، نه مصلحت و مفسده.

این موضوع به بحث پیچیده‌ای از رابطه بین عقل و شریعت برمی‌گردد. در بسیاری از نظام‌های فکری دینی، به ویژه در اسلام، عقل در تشخیص حسن و قبح برخی از اعمال نقشی اساسی دارد، اما نقش آن در تعیین حکم شرعی به طور کامل مورد تأیید نیست. این بدان معناست که اگرچه عقل ممکن است در شناسایی خوب و بد بودن یک عمل کمک کند، اما حکم نهایی شریعت ممکن است بر اساس مصلحت‌های خاص، مانند راحتی یا توانایی پذیرش دین، متفاوت باشد. خداوند متعال ممکن است به دلایل مختلف، مانند توانایی و آمادگی جامعه، حکم‌ها را به تدریج و به مرور زمان ابلاغ کند. برای مثال، ممکن است چیزی که به لحاظ عقلانی قبیح به نظر برسد، در مراحل اولیه به دلیل مصلحت‌های دیگر در نظر گرفته نشود و بعداً به عنوان حکم نهایی وارد شود. در نتیجه، تأسیس احکام شرعی فقط بر مبنای عقل ممکن است کافی نباشد و شریعت ممکن است نیاز به ملاحظات دیگری نیز داشته باشد (طوسی، محمد بن حسن، (معروف به شیخ طوسی)، (۱۴۰۷ ق)، التبیان، ۱۰ جلدی، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، (۱۴۰۷ ق) تهران، ایران).

نتیجه‌گیری

پس از بررسی علمی و پژوهشی در متون اسلامی و واکاوی در آیات قرآن کریم و احادیث و روایات معصومین(ع) و آرا اندیشمندان به ویژه سید عبدالله شبر و اعتبارسنجی در احادیث نسخه خطی سلوک الی الله تعالی، پیرامون موضوع نسبت میان عل و نقل (تطابق العقل والنقل) به ویژه در اصول دین و فلسفه دین که از اهمیت بالایی برخوردار است و بررسی آن می‌تواند به درک عمیق‌تری از هماهنگی میان آموزه‌های وحیانی و کاربرد عقل کمک کند. در این زمینه عقل به عنوان ابزاری برای درک و تحلیل آموزه‌های دینی شناخته می‌شود و نقل به معنای آموزه‌های وحیانی و متون دینی، به عنوان منبع اصلی معرفت دینی مورد توجه است.

بررسی تطابق این دو به ویژه در متون دینی و روایات معتبر نشان می‌دهد که هیچ تعارضی ذاتی و واقعی میان عقل و نقل وجود ندارد و هرگونه تفاوت ظاهری معمولاً ناشی از فهم نادرست یا نیاز به تحلیل دقیق‌تر است. به علاوه عقل به عنوان ابزار شناخت و تحلیل در تشخیص معجزات و افتراق آنها از سحر و جادو نقش حیاتی دارد و می‌تواند به درک عمیق‌تری از معانی باطنی دین کمک کند. از سوی دیگر در مسال بنیادی همچون اصول دین، عقل نقشی مقدم و اساسی دارد، زیرا به کمک آن انسان به نیاز دین پی می‌برد و این تاکید بر کارکرد و فرآیند عقل در پذیرش اصول دینی نیز اهمیت بالایی برخوردار است. به طور کلی، عقل و نقل باید به طور همزمان و هماهنگ مورد توجه قرار گیرند. تا به درک صحیح و جامع‌تری از آموزه‌های دینی دست یابیم. بنابراین عقل و نقل در مجموع در یک مسیر هم راستا و مکمل، عمل می‌کنند و هدف نهایی این است که این دو به طور هماهنگ به درک عمیق‌تری از حقیقت آموزه‌های دینی منجر شوند.

با توجه به بیان سید شبر از تطابق و هماهنگی عقل قطعی صحیح و نقل متواتر و استناد به روایات مربوط به آیه مباهله و روایات تمسک به اهل بیت(ع) و اعتبارسنجی احادیث مبتنی بر شواهد و متابعات فریقین و از منظر عقل و منظر نقل به نتیجه مطلوب و مقصود نائل می‌گردیم.

منظر عقل: براساس تحلیل عقلانی اعتقاد به دوازده امام به عنوان جانشینان پیامبر(ص) به معنای استقرار نظامی مستمر و پایدار برای رهبری اسلامی است. و این عقلانی است که نظام رهبری اسلام با هدف حفظ و تفسیر صحیح دین، نیازمند رهبری ثابت و متصل به پیامبر(ص) باشد. این دوازده امام به عنوان حافظان دین، نقش مهمی در ایجاد حفظ وحدت و استقرار اصول اسلامی دارند.

منظر نقل: در متون دینی از جمله احادیث پیامبر(ص) "نقل متواتر" به موضوع رهبران و جانشینان پیامبر(ص) و "دوازده امام(ع)" اشاره شده است. این احادیث نه تنها در منابع و مصادر شیعه و مذهب امامیه، به ویژه در منابع حدیثی معتبر اهل سنت مطرح شده و به عنوان مبنای ایمان به دوازده امام و نقش آنها در استمرار و هدایت دین اسلام استفاده می شود. به طور کلی، پیوستگی این دو جنبه عقلانی و نقلی_ نشان می دهد که اعتقاد به دوازده امام که دارای عصمت و انتصاب از سوی الله تعالی، نه تنها از نظر دینی بلکه از منظر عقلی و منطقی نیز برای حفظ و تفسیر اصول اسلامی مهم است.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید معتزلی، عبد الحمید بن هبۀ الله (۱۴۰۴ ق)، شرح نهج البلاغه، ناشر: مکتبه مرعشی نجفی (ره).
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، المکتبه الاسلامیه، لبنان، بیروت.
۳. ابن حیون، نعمان ابن محمد، (۱۴۰۹ ق)، شرح الأخبار فی فضائل الأئمه الأطهار (ع)، محمد حسین جلالی، قم (جامعه مدرسین) ایران ابن داعی حسنی رازی، سید مرتضی (علم الهدی) تبصره العوام فی معرفه مقالات الامام، ناشر: اساطیر (۱۳۶۴ ش)، تهران، ایران
۴. این شاذان قمی، محمد بن احمد (۱۴۰۷ ق)، ماته المتقبه، محمد باقر ابطحی، طبع مطبعه الامیر.
۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (متوفی ۵۵۸ ق)، (۱۴۰۴ ق) المناقب آل ابی طالب، مؤسسه انتشارات، علامه قم، ایران.
۶.، محمد بن علی بن شهر آشوب المازندرانی (متوفای ۵۸۸ ق)، متشابه القرآن و مختلفه، انتشارات بیدار، تهران، ایران
۷. ابن شعبه حرانی، محمد حسن بن علی، (۱۴۰۶ ق)، تحف العقول عن آل رسول، ناشر: دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان
۸. ابن طاووس، سید علی (سید بن طاوس)، (۶۶۴ ق) الدعوی الواقیه، ناشر: مؤسسه آل البیت (ع) احیاء التراث، بیروت، لبنان
۹. ابن عساکر، ابو القاسم علی بن حسن (شافعی)، (۱۴۱۵ هـ ق) (تاریخ مدینه دمشق)، محقق: عمرو بن غرامه العمروی الناشر: دار الفکر للطباعه والنشر و التوزیع.
۱۰. ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا القزوینی الرازی، ابوالحسن (متوفای ۳۹۵)، (۱۴۰۴ ق) معجم مقاییس اللغه، محقق هارون عبد السلام محمد، مکتب الاعلام الاسلامی مرکز نشر، ایران، قم.
۱۱. ابن فهد الحلّی، جمال الدین، احمد بن محمد اسدی (متوفای ۸۴۱ ق)، (۱۴۲۰ ق) عده الداعی و نجاح الساعی، تحقیق و نشر: مؤسسه المعارف الاسلامیه و دار الکتب الاسلامی، سال چاپ ایران، تهران.
۱۲. ابن مغازی، ابوالحسن علی بن محمد، (۱۴۲۴ ق)، مناقب امیر المؤمنین (ع)، عبد الرحمن وادعی، انتشارات دار الآثار، چاپ اول، صنعاء، یمن

۱۳. ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی، (۱۴۱۴ ق) معجم لسان العرب (متوفای ۷۱۱ ق)، ناشر دار صادر، چاپ بیروت.
۱۴. ابو عبد الرحمن، احمد بن شعیب بن علی بن بحرین سنان بن دینار النسائی، سنن نسائی، (قنونی ۳۰۳)
۱۵. اربلی، علی بن عیسی (بیضا) کشف الغمّه، مصحح علی بن حسن زواره ای و دیگران، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ایران
۱۶. اصبهانی، احمد بن عبدالله، (۱۳۹۴ ش)، حلیه الأولیاء و طبقات الأصفیاء، دار الکتب العربی، بیروت، لبنان
۱۷. الهمدانی، حاج آقارضا، (۱۳۲۲ ق)، مصباح الفقیه فی شرح شرایع الاسلام، ناشر: المؤسسة الجعفریة للاحیاء التراث، قم، ایران
۱۸. امینی، عبدالحسین احمد الامینی (علامه امینی)، (۱۴۰۲ ق) الغدیر، ناشر: داراحیاء الکتب العلمیة، بیروت، لبنان.
۱۹. امین عاملی، سید محسن (متوفی ۱۳۷۱ ق) اعیان الشیعه (رجالی)، ناشر: دار التعارف للمطبوعات، بیروت، لبنان، و سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ایران
۲۰. انصاری، مرتضی بن محمد امین انصاری، (شیخ انصاری)، متوفی ۱۹۸۱ ق)، فرائد الاصول، ناشر: انتشارات عالمه و انتشارات افق روشن، قم ایران
۲۱. بحرانی، هاشم (۱۴۰۹ ق) البرهان فی تفسیر القرآن (۱۴۱۷ ق) شارح، سید محمد حسین طهرانی، انتشارات مؤسسه البعثه، قسم الدراسات الإسلامیة.
۲۲. (۱۴۲۲ ق)، غایه المرام و حجة الخصام، علی عاشور، مؤسسه التاریخ العربی، بیروت، لبنان
۲۳. بحرانی اصفهانی، عبد الله، (بیضا)، عوالم العلوم و المعارف، مؤسسه الامام المهدي، قم، ایران
۲۴. بخاری جعفی، محمد بن اسماعیل، (۱۴۲۲ ق)، صحیح بخاری، موضوع: (الحديث النبوی)، مصحح محمد زهیر ناصر، دار طوف النجاة و انتشارات دار احیاء التراث العربی، (۱۳۰۷ ق)، بیروت، لبنان
۲۵. ترمذی، محمد بن عیسی (م ۱۱۰۴ ق) ابن سوره ترمذی ،
۲۶. همو، شیخ حر عاملی، (۱۴۲۲ ق) (متوفای ۱۱۰۴ ق)، الفصول المهمة فی أصول الأئمة، تکمله الوسائل، محقق: سامی غریری ابن صباغ علی بن محمد، ناشر: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر، قم، ایران

۲۷. حلی، حسن بن سلیمان (۱۴۲۱ ق)، مختصر البصائر، تصحیح، تحقیق، ترجمه دکتر امیر توحیدی، سازمان تبلیغات شرکت چاپ و نشر بین الملل، ایران، تهران.
۲۸. حویزی، عبد العلی بن جمعه (۱۴۰۱ ق)، کفایة الأثر، لطیف جنبی کوه کمری، (۱۳۹۵ ش)، انتشارات بیدار، ایران، قم
۲۹. حموی جوینی، ابراهیم بن محمد، (۱۴۰۰ ق)، فرائد السمطين فی فضائل المرتضى و البتول و السبطين والأئمة من ذریتهم علیهم السلام، محمد باقر محمودی، مؤسسه المحمودی، بیروت، لبنان
۳۰. حمیری قمی، عبدالله بن جعفر (۱۴۰۶ ق)، قرب الاسناد، چاپ دار الفکر، بیروت، لبنان
۳۱. حنبل، احمد بن محمد بن حنبل، مسند احمد بن حنبل، مصحح الأرئووط، عادل مرشد و دیگران، مؤسسه الرساله
۳۲. خلیل بن احمد عمر بن تمیم، ابو عبد الرحمن فراهیدی، (۱۴۰۹ ق)، کتاب العین، ناشر، مؤسسه دار الهجرة، قم، ایران، (فرهنگ لغت نامه)
۳۳. خوارزمی، موفق بن احمد المکی الخوارزمی (۱۴۲۳ ق)، مقتل الحسين علیه السلام، محمد سماوی، انوار الهدی، چاپ دفتر مفید، قم، ایران.
۳۴. خوئی، سید ابو القاسم، (بی‌تا)، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، نحف مؤسسه خوئی، عراق
۳۵. دیلمی، حسن بن محمد، (۱۴۰۸)، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، ناشر: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، قم، ایران
۳۶. همو (۱۳۷۱ ش)، ارشاد القلوب، شریف رضی، ایران، قم
۳۷. دینوری، ابو حنیفه احمد بن داود، (۱۳۷۳ ش). (۲۸۳ ق) اخبار الطوال، ناشر: الشریف الرضی، قم، ایران
۳۸. ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۲۷ ق)، سیر اعلام النبلاء، دار الحدیث، قاهره، مصر.
۳۹. رازی، فخر الدین ابو الفتوح، (۱۴۲۰ ق)، تفسیر کبیر، احیاء التراث العربی، لبنان، بیروت.
۴۰. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، معروف به (سید سراب)، (متوفی ۴۰۱ ق)، مفردات الالفاظ القرآن، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، تهران، ایران
۴۱. ری شهری، محمد محمدی، (۱۳۹۵ ش)، میزان الحکمه، سازمان چاپ و نشر مؤسسه فرهنگی دار الحدیث
۴۲. زبیدی واسطی، سید مرتضی زبیدی، محمد بن عبد الرزاق، (۱۴۱۴ ق)، (۱۱۴۵-۱۲۰۵ ق)، حسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، ناشر: دار الفکر، بیروت، لبنان
۴۳. سامی غزیری محقق غراویری لبنانی، (۱۴۳۱ ق)، انتشارات دار الجواد الائمه بیروت، لبنان. سیر

- و سلوک الی الله تعالی
۴۴. سلیم بن قیس هلالی (۱۴۰۷ ق)، اسرار آل محمد (ص)، علاالدین موسوی، مؤسسه البعثه، تهران، ایران.
۴۵. سید مرتضی علم الهدی، شریف مرتضی، (۱۳۹۷ ش) امالی، الناشر: دار الفکر العربی، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۴۶. شبر، سید عبدالله این محمدرضا الحسینی الکاظمینی شبر (۱۴۳۱ ق). (۱۱۸۸ - ۱۲۴۲ ق)، سلوک الی الله تعالی فی تقریبه. نسخه خطی در سال (۱۹۳۱) به تحریر درآمده، کتابخانه آستان قدس رضوی، مشهد، ایران.
۴۷. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۷ ق)، أمالی، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه، قم، مؤسسه البعثه، قم، ایران.
۴۸. همو (۱۳۷۸ ق)، عیون اخبار الرضا(ع)، مهدی لاجوردی، نشر: جهان، چاپ اول، تهران، ایران.
۴۹. همو (۱۴۱۳ ق)، من لا یحضره الفقیه، چهار جلد، علی اکبر غفاری، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ایران.
۵۰. همو (۱۳۷۷) (ق) معانی الأخبار، علی اکبر غفاری و عبدالعلی محمدی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، تهران، ایران
۵۱. همو (۱۳۹۵ ش)، کمال الدین و تمام النعمه، علی اکبر غفاری، ناشر: دارالکتب الاسلامیه، تهران، ایران
۵۲. همو علل الشرایع، انتشارات المکتبه الحیدریه، نجف اشرف، عراق.
۵۳. صفار، محمد بن حسن بن فروخ صفار معروف به (صفار قمی) (۱۴۰۴ ق)، متوفی (۲۹۰) ق از اصحاب امام حسن عسکری، بصائر الدرجات، ناشر: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ قم، ایران
۵۴. صاحب بن عباد (ابو القاسم اسماعیل بن عباد)، (۱۴۱۴ ق)، (۳۸۵ ق)، المحيط فی اللغه، ناشر: عالم الکتب (۱۱ جلد عربی)، بیروت، لبنان.
۵۵. طباطبایی بروجردی، سید حسین، (۱۳۸۶ ش) جامع الاحادیث، تحقیق جمعی از محققان، انتشارات فرهنگ سبز، تهران، ایران
۵۶. طباطبائی (علامه) سید محمد حسین، (۱۳۸۳ ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ایران
۵۷. طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۱۵ ق)، معجم کبیر، حمدی بن عبد المجید، دار النشر،

قاهره، مصر.

۵۸. طبرسی، ابو علی فضل بن الحسن (شیخ طبرسی، امین الاسلام) (۱۳۵۹ ش) مفسر قرآن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناشر: فراهانی، تهران، ایران
۵۹.، همو (شیخ طبرسی)، اعلام الوری بأعلام الهدی، ناشر: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.

۶۰. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۳ ق)، دلائل الامامه، مؤسسه البعثه، ایران، قم.

۶۱. طوسی، محمد بن حسن، (معروف به شیخ طوسی)، (۱۴۰۷ ق)، التبیان، ۱۰ جلدی، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، تهران، ایران

۶۲.، همو (۱۴۱۱ ق)، الغیبه، عباد الله تهرانی و علی احمد ناصح، ناشر: دار المعارف اسلامی، قم، ایران

۶۳. طوسی، نصیر الدین محمد بن محمد، تجرید الاعتقاد، ناشر: مکتب الاسلام، تهران، ایران

۶۴. علی بن موسی (ع)، (۱۴۰۶ ق)، صحیفه امام رضا (ع)، محمد مهدی، کنگره امام رضا (ع)، نجف، مشهد، ایران.

۶۵. عضد الدین عبد الرحمن ابن احمد ایچی (۷۵۶ ق)، شرح المواقف، ناشر: الشریف الرضی، قم، ایران

۶۶. عیاشی، ابو نصر محمد بن مسعود عیاش، (۲۶۰-۳۲۹ ق) سمرقند، (متوفای ۳۲۰ ق)، تفسیر العیاشی (مفسر شیعی)، ناشر: مکتبه العلمیه الاسلامیه، ایران، تهران (۱۳۸۰ ق)، از تفاسیر مأثور و متعلق به عصر غیبت.

۶۷. غزالی، ابو حامد محمد، (۵۰۵ ق)، احیاء العلوم الدین، ناشر: دار الکتب العربی، قم، ایران

۶۸. فیض کاشانی، محمد محسن (متوفی ۱۹۰۱ ق)، تفسیر صافی، محقق علی اوجبی، اکبر تقیان، انتشارات سید مهدی مرتضی طباطبایی نجفی، مؤسسه خانه کتاب و ادبیات تهران، ایران

۶۹.، همو، (۱۳۸۵ ش) (متوفی ۱۹۰۱ ق)، نوادر الاخبار فی ما یتعلق باصول الدین، محقق محمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی، مهدی انصاری، ناشر: دلیل ما.

۷۰. کراچکی، محمد بن علی، (۱۴۱۰ ق) کنز الفوائد، عبد الله نعمت، ناشر: دار الذخایر، (بیتا)، قم، ایران

۷۱. مصطفوی، سید حسن، التحقیق فی کلمات القرآن.

۷۲. میرحامد حسین هندی (۱۳۸۷ ش) (معروف به علامه میرحامد)، (متوفی ۱۳۰۶ ق)، عقبات الانوار فی امامه الأئمه الأطهار، ناشر: مؤسسه نباء، تهران، ایران